

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

آذان ظهر ۱/۵۱ | آذان مغرب ۱۷/۱۳ | نیمه شب شرعی ۲۳/۰۷ | آذان صبح فردا ۵/۲۱ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۹

پیامبر خدا(ص):

کسی که رحم نکند، به او رحم نشود.

سخن روز

کنز العمال:۵۹۷۱



نگاره

کیان راد پویان

آلودگی هوا را جدی بگیریم

سایه روشن



محدث غامغانی‌پور روزنامه‌نگار

سرنوشت تعدادی از فیلم‌های سینمای ایران، تبدیل به گرهی کور و غیرقابل بازشدن شده است. بعضی از آنها، به‌دلیل کج‌فهمی و برداشت‌های سوء محروم از نمایش عمومی هستند و بعضی دیگر به‌دلیل مهاجرت بازیگرانشان بلا تکلیف مانده‌اند. اتفاقی که می‌توانست برای «گشت ارشاد ۳» بیفتد و با تصمیم جسورانه محمدمهدی اسماعیلی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی حل و فصل شده و فیلم روانه اکران شد. «گشت ارشاد ۳» یک کمدی عامه پسند است که برای جذب مخاطب و فروش ساخته شده و مهاجرت بازیگر زن آن برای این فیلم حاشیه‌ساز شده بود. دو فیلم قبلی سعید سهیلی، کمدی‌های سردستی و پیش پا افتاده بودند که فروش می‌کردند و همین موضوع کارگردان را برآن داشت تا سومین بخش از این سه‌گانه را هم بسازد. در این روزها که مردم کم‌کم به زندگی عادی برمی‌گردند و سینما رفتن مانند دیگر بخش‌های زندگی، آهنگی تندتر به خود گرفته، اکران عمومی «گشت ارشاد ۳» آن دسته از سینمادوستان ایرانی را که برای سرگرمی و خندیدن به سینما می‌روند به سالن‌ها می‌آورد و باعث رونق سینماها می‌شود. اتفاقی که ضروری به نظر می‌رسد و می‌تواند از بعد اقتصادی به بهبود وضعیت سینماداری کمک کند.

این تصمیم وزیر، حتماً مخالفان تند و آتشینی دارد که ترجیح

نگاهی به شعرهای کتاب مکالمات شبانه

تقر جگاه قدیم در جدید یا لبر بخته‌های بهمن ساکی

در کتاب «مکالمات شبانه» بهمن ساکی با یک – چند شعر مواجهیم. این اصطلاح یک – چند راهنمایی است برای تأویل، چون از وحدت و درعین‌حال کثرت سخن می‌گوید و مزین است به یک مضاف‌الیه کلان یعنی کرونولوژیک بودن. این یک وحدت و چند کثرت شعر است در لباسی کرونولوژی‌وار که باید تأویل شود. آن‌هم در هزارتوی زبان که سازه‌هایش را بیشتر در حجم یک به کار گرفته است و لباس اجازه‌ی پوشیده‌ی و سازه‌های بزرگ‌ترش یعنی جملات را تحت تأثیر قرار داده است تا شکلی کوتاه اختیار و ما را با شعرهای کوتاهی روبه‌رو کنند که بهتر است بر اساس سابقهٔ شعر بدیالّه رواییِ آنها را لبربخته بنامیم تا دچار پراکنده‌گویی تعریف طرح و شعر و و هایتکو و غیره نشویم و از سوی دیگر ارتباطی هم برقرار کنیم با شعر حجم و زبان شعر و حجم و جریان شعر دیگر. در تعریف لبربخته یا شطح بسیار نوشته‌اند. یکی لغتنامه دهخدا: «شطح عبارت است از کلام فراخ گفتن که تعریفی است که لفظ و معنا هر دورا در خود نهفته دارد.» یکی واژه‌کلام یا زبان و دیگری گفتن در معنای گفتمان

که به‌راحتی در شعرهای «مکالمات شبانه» قابل لمس هستند: «وحی واژهٔ بشارت ماضی بود/کلمه خاطره می‌شد/ و قوس مرداد که بر انباشت» که زبان به کمک استعارهٔ بی‌ودن برجستگی خود را نمایان و آشکار می‌کند و معنایی را می‌انبارد که سرشار از مژده و بشارت است و گفتمانی می‌آفریند که شباهت به تجربه زیسته یعنی خاطره دارد. یعنی سازه‌های زبان پُرکننده قوس و تهیگاه و حفره خالی هستند و معنا ساز.

اما کدام معنا؟ برای رسیدن به این معنا ابتدا تعریف دوم را بیان می‌کنیم. ابونصر سراج طوسی در «اللمع فی التصوف»، شطح را حرکت اسرار اهل وجد می‌داند و آن را نهر یاریکی مثال می‌زند که از آب لبریز شده است و آب از کناره‌هایش بیرون می‌زند. آنچه در این تعریف به کار تأویل مکالمات شبانه می‌آید مفهوم حرکت است که در واژه کرونولوژیک نهفته است و همچنین جنبشی که در ترکیب یک – چند موج برمی‌درد.

لبریزی‌های بهمن ساکی «طاق تسکین/ شکسته و دور/ در تراکم زینایی» است تا به قول خودش به آذن و هدایت «مهتاب برخیزم/ و با سپیدی یاس در آمیزم.» این برخاستن و درآمیختن است که حرکت از قدیم به جدید را فعال می‌کند و از راه زمان عبور می‌کند تا تاریخ‌مند بودن آن «زار بر مزار نیاز» مکان‌مند و امروزینه‌تر شود؛ و این امروزینگی را به کمک ترکیب یک– چند ارائه کرده است تا در متن به کمک لبریزی‌های معنا ساز ملیس به وحدت در کثرت یا کثرت‌گرایی معنایی را به مخاطب پیشنهاد بدهد تا زیستی آرامش‌طلب و صلح‌دوست را ترویج کند و کار روشنفکری خود را به سرانجام برساند، همچون «جوت در برهوت» که «بر شیشه‌های شکسته چشم /رقصان/ ساق ظریف نور» را می‌بیند.

اما آنچه در این تفرجگاه قدیم در جدید آسیب جدی به مکالمات شبانه وارد ساخته است، کهنه‌گرایی زبانی است. به‌عنوان نمونه استفاده از «طائر» در این شعر: «چون طائر که کم کند درخت را و در میانه مه فرود آید» یا به‌کارگیری واژهٔ «موسیقار» در شعر: «به موسیقار یاران/ با ره رقص یاس /چشمم به مهتاب در نقاب/ پلکم به جامه‌دران»

پس چون زبان یکی از مهم‌ترین ساخت‌های تفهیم و تفاهم میان انسان‌هاست و به سرفصل تمام یوا یا دیگر آفریدگان تبدیل شده است، بهتر است که در جدید بودنش کوشا باشیم. همان‌گونه که شطح گوین کهن عادت‌های زبانی را شکستند حلاج‌وار «انالحق» گوین چون ابوالحسن خرقانی باشیم که «صوفی غیر مخلوق» را آفرید.

دولت‌ها باید چراغ تئاتر را روشن نگه دارند

کاظم هژیر آزاد، تئاتر، وقت‌گیر است و از طرف دیگر تمرین تئاتر باید طوری باشد که بتوان پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کرد. بنابراین آماده‌سازی تئاتر در این شرایط، خیلی مشکل است بخصوص که ماهم در این سن و سال ضربه پذیریم و ببینید در این مدت چه تعداد هنرمند به خاطر کرونا از دست‌مان رفته‌اند... پس باید همچنان مراعات کنیم. امیدوارم بعد از کرونا فرصتی باشد تا با خیال راحت کار کنیم و شرایط هم طوری باشد که تماشاگران مجبور نباشند برای رعایت اصل فاصله‌گذاری اجتماعی در سالن‌های تئاتر با فاصله بنشینند. دولت باید از کارهایی که مجوز اجرایشان را صادر کرده، حمایت کند و متناسب با بلیت‌های خریداری شده، به آنان کمک هزینه بپردازد. باید برای حمایت از تئاتر و زنده نگه‌داشتن آن چنین اقدام‌هایی انجام بدهد. تئاتر در همه جای دنیا همواره نیازمند حمایت‌های دولتی است و در وهله اول دولت‌ها هستند که باید چراغ تئاتر را روشن نگه دارند آن‌هم در شرایط سختی مانند کرونا و در مرحله بعد، این وظیفه بر عهده عوامل و گروه‌های نمایشی است.

بخشی از گفت‌وگوی این بازیگر با ایبنا



می‌دادند به خاطر رفتار غیر حرفه‌ای چهره تازه‌وارد به سینمای ایران، یک فیلم را نابود کنند، اما خوشبختانه این اتفاق نیفتاد. بعضی معتقدند حضور سعید سهیلی پشت دوربین این فیلم، مایه رهایی آن بوده، دلیل هر چه باشد، دستاوردی که به دست آمده می‌تواند در بلندمدت به نفع سینمای ایران تمام شود. رئیس سازمان سینمایی، در دیدارها و گفت‌وگوهایش از عزم جدی برای حل مشکلات سینمای ایران خبر داده و به نظر می‌رسد این اراده و پشتیبانی را دارد که بعضی از گرهِ‌های چندین ساله و سوءتفاهم‌های بزرگ را از میان بردارد، بویژه که محمد خزاعی خود از بدنه سینماست و می‌داند که توقیف فیلم‌ها بر اساس سوءبرداشت‌ها هزینه سنگینی دارد که می‌توان از آن جلوگیری کرد.

اکران «گشت ارشاد ۳» بدون هیچ اتفاق خاصی به پایان خواهد رسید، تجربه نشان داده فیلم‌هایی که پس از حاشیه روی پرده رفته‌اند، برخلاف تردیدهای مدیران محافظه‌کار، اکرانی آرام را پشت سرمی‌گذارند. امید که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و رئیس سازمان سینمایی با تدبیر و تصمیم برای حل مشکلات پیچیده سینمای ایران، برای دیگر فیلم‌هایی که چند سال است فرصت روی پرده رفتن را از دست داده‌اند، این امکان را فراهم کنند که دور از حب و بغض دیده و ارزیابی شوند. فیلمی مثل «رستاخیز» (احمد رضا درویش) و بسیار نمونه‌های دیگر که همه می‌دانیم می‌توانند اکران شوند و قضاوت درباره کیفیت آنها برعهده تماشاگرانی باشد که به دیدنشان می‌روند.

با کوچ صداها همراه شوید!

«کوچ اصوات» مجموعه داستان کوتاه محمدحسن جمشیدی است که بتازگی از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شده است. کتاب مجموعه پانزده داستان کوتاه است که فضاهایی آشنا و عمیق دارند که مخاطب می‌تواند با آنها ارتباط خوبی برقرار کند. او برش‌هایی از زندگی را انتخاب می‌کند که می‌تواند برای هر طیف مخاطب و با هر تفکری آشنا باشد و حسن همراهی را در او برانگیزد.

جمشیدی اما در مواجهه با این برش‌های ساده و آشنای نجات یافت و از ناحیه دو دست و پا مجروح و می‌کند که به اتفاق و برشی ساده، رنگ و بوی دیگری می‌دهد، البته بیان شاعرانه در داسان چیزی نیست که امروزه چندان پذیرفته باشد، اما جمشیدی در استفاده از این شیوه زیاده‌روی نمی‌کند و شاعرانگی را به خدمت داستان می‌گیرد، نه برعکس. که اگر برعکس این کار را انجام داده بود، حتما باید به او ایراد می‌گرفتم و این موضوع را نه یکی از محاسن کارش که ایرادی بزرگ به حساب می‌آوردیم. باتوجه به اینکه نویسنده تجربه شعر را هم داشته و دو مجموعه هم منتشر کرده است، دقت او در استفاده درست از شاعرانگی در زبان را باید ستود و این را نقطه قوتی دانست که درگیر فریبایی زبان شاعرانه نشده است. البته به «کوچ اصوات» هم مانند هر اثر دیگری می‌توان ایراد گرفت و باید هم چنین کرد. نویسنده گاهی حواش نیست و راوی از دانای کل محدود به رای، به دانای کل نامحدود می‌رسد و... که این موارد ایرادهای کوچکی هستند و در مواجهه منطقی با مجموعه می‌بینیم، نقاط قوت این نویسنده جوان آن قدر از نقاط ضعفش بیشتر هست که بتوان گفت، مجموعه داستان مورد نظر، نوید حضور یک صدای تازه در ادبیات داستانی ایران را بپای ما دارد.

جمشیدی طبیعتاً در مجموعه‌های بعدی‌اش باید داستان‌گوتر باشد و خودش هم به تجربه چنین خواهد کرد. داستان‌هایش از نظر حجمی باید صفحات بیشتری داشته باشند و همین زبان و بیان که برگ برنده اوست ادامه پیدا کند. حجم داستان کوتاه البته چیزی است که در ایران توجه چندانی به آن نداریم، اما ناگاهی به تعداد صفحات داستان کوتاه نویسان بزرگ جهان در دوره معاصر نشان می‌دهد، طبق قاعده‌ای – نمی‌دانم قاعده‌ای بیان شده یا نشده– به بیست صفحه می‌رسد، درحالی‌که ما داستان‌های ۴ و۵ صفحه‌ای هم داریم که بیشتر شبیه طرح وایده‌اند و داستان نمی‌شوند. از این بحث‌ها بگذرم و بگویم «کوچ اصوات» را بخوانید. صدای تازه و کلمات تازه‌ای دارد و تجربه تازه‌ای است برای روزگاری که از قیافه آدم‌ها گرفته تا داستان نوشتن و فیلم ساختن و دیگر کارهایشان بسیار به هم شبیهند!

کوچ اصوات

محمدحسن جمشیدی

انتشارات:سوره‌مهر

با گذشت ۱۰ روز از اکران فیلم سینمایی «متصور» ساخته سیلوش سرمدیان، این فیلم دراکران‌های مردمی «عمار» توانست به فروش ۱۰۳ میلیونی در شهرهای قاعد سینما دست پیدا کند. سامانه «عماریار» تلاش دارد با نمایش فیلم‌های روز سینمای ایران در مناطق قاعد سینمایا در مکان‌هایی مثل مدارس، دانشگاهها، مساجد و...

عدالت‌هنری را به کمک مردم در کشور برقرار کند. /مهر



چهار چیز مرآزه را زغم بخرد

تن درست و خوی نیک و نام نیک و خرد

هر آن که ایزدش این چهار روزی کرد

سزد که شاد زید جوادان و غم نخورد

قصاید رودکی

آموزگاران حماسه

ارتباط بیسیم با مرکز قطع‌شد و کار عملیات گره خورده بود. نگرانی در چهره‌ها نمایان بود. کوه‌ها و تپه‌های پیرامون با وجود همه زیبایی، خوف انگیز می‌نمودند. در این اثنا «غلامعلی پیچک» که معلم بود و به اقتضای شرایط آن روزگار لباس رزم پوشیده و به مقابله با دشمنان تمامیت ارضی شتافته بود با توسل به ذوق عملی برخاست و با طرح سؤالی که اغلب

پاسخ آن را می‌دانستند روح تازه‌ای به نفرات یگان دمیده و روحیه‌ها را تا سطح قابل توجهی بالا برد. او خطاب به جمع پرسید چه کسی می‌داند عبارت «المؤمن کالجبل الراسخ لا تحرّه العواصف» از چه کسی و به چه معناست. بعد ضمن سخنان کوتاه ولی پرشور و حماسی روحیه‌ها را دگرگون کرد. این هنرنمایی در آن شرایط فقط از یک معلم برمی‌آمد.



شهید پیچک با اوجگیری مبارزات مردم در روزهای منتهی به بهمن ۵۷ با دلگرمی وامید، به روشنگری پرداخت و با ارائه تحلیل‌های سیاسی، نظر افراد زیادی بویژه جوانان را به خود جلب کرد. با پیروزی انقلاب داوطلبانه به سیستان و بلوچستان شتافت و در کسوت آموزگاری به خدمت فرزندان میهن در این منطقه محروم مشغول شد. با آغاز ناآرامی‌ها در غرب کشور تکلیف خود را در صلاح به دست گرفتن و دفاع از تمامیت ارضی دید و بلافاصله خود را به کردستان رساند. در روزهای شروع غائله کردستان، به همراه هم‌رزانش در پاکسازی شهر سندرچ و شکستن محاصره باشگاه افران، نقش عمده‌ای را ایفا کرد و پس از آن به بانه شتافت. این شهر در معرض سقوط بود و یادگان آن تحت محاصره ضد انقلاب قرار داشت. اما پس از چند هفته سرانجام او و یارانش موفق به شکستن محاصره و پاکسازی شهر بانه شدند. در جریان این پاکسازی، شهید پیچک پس از یک درگیری با ضد انقلاب به طرز معجزه آسایی نجات یافت و از ناحیه دو دست و پا مجروح و به تهران اعزام شد. بر اثر دلآوری‌هایش بزودی آوازه توانمندی‌ها و شجاعتش همه جا پیچید. از این رو با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه کشورمان، به دعوت فرماندهان ارشد نظامی عازم جبهه‌های نبرد در جنوب شد. از آنجا که لیاقت و شجاعت او در درگیری‌های کردستان برای فرماندهان محرز شده بود، به عنوان فرمانده محور غرب کشور منصوب شد. پیچک توان بالای نظامی خود را در این محور نشان داد و با ارائه طرح‌های دقیق و واقع‌بینانه نظامی، حیرت نبروخواق سپاه و ارتش را برانگیخت. وی به رغم سن کم از ذهنی نقاد و خلاق برخوردار بود و از این رو موفق شد بهترین طرح‌های عملیاتی را با توجه به شناسایی منطقه ارائه و اجرا کند. او اغلب شناسایی‌ها را خودش انجام می‌داد و تا عمق بیش از ۳۰ کیلومتر پشت جبهه دشمن نفوذ می‌کرد. مدیریت و قابلیت‌های شهید پیچک به تدریج از او شخصیتی دوست داشتنی و در عین حال پر از ابهت ساخت. هر کجا می‌رفت، با استقبال فرماندهان و جمع رزمندگان روبه‌رو شده و با سخنانی که بیانگر ظرفیت‌های معلمی وی بود بر جمع‌های رزمنده تأثیرات ویژه‌ای باقی می‌گذاشت. وقتی از سیاست حرف می‌زد، گویی یک سیاستمدار برجسته به تبیین مسائل سیاسی ایستاده است و یا اگر در امور دینی زبان به سخن می‌گشود، گویی یک عالم دینی مشغول سخنرانی است.

شهید پیچک اهل تقوا و ورع بود و در انجام فرائض دینی، تقید و تعبد خاصی داشت. در نماز آنچنان حضور قلبی داشت که از خود بیخود می‌شد. او از هوش سرشاری برخوردار بود و مراحل تحصیلی را به شیوه جششی و با برتری طی کرده بود. اهل مطالعه و کتاب بود. در عین اشتغال به کارهای نظامی، از فعالیت‌های فرهنگی نیز غافل نبود. در اخلاق و رفتار الگوی دیگران بود. شهامت و شجاعتش کم نظیر و به حضرت امام خمینی (ره) شفق می‌ورزید. در انجام هر کاری تنها جلب رضای الهی را در نظر می‌گرفت و هرگز ریا به اخلاص او نفوذ نکرد.

او سه بار مورد سوء قصد گروه‌های چپ قرار گرفت و سرانجام در عملیات مطلع الفجر در نوک پیکان گردان وارد نبرد علیه دشمن شد و در منطقه «قاسم‌آباد» واقع در ارتفاعات «پرافتاب» با نیروهای دشمن تن به تن درگیر شد و نزدیک ظهر روز ۲۰ آذرماه ۱۳۶۰ بر اثر اصابت گلوله به گلو و سینه‌اش به شهادت رسید. ایثار و از خودگذشتگی شهید غلامعلی پیچک بیانگر نقش بسیار با اهمیت معلمان سربلند کشور در دوران دفاع مقدس در کسوت بسیجی است و سند افتخاری از مشارکت صنف معلمان دلسوز و انسان‌ساز که با اهدای ۲۶۵۷ شهید به اثبات رسیده است.



عکس نوشت اکران فیلم سینمایی «متصور» ساخته سیلوش سرمدیان، این فیلم دراکران‌های مردمی «عمار» توانست به فروش ۱۰۳ میلیونی در شهرهای قاعد سینما دست پیدا کند. سامانه «عماریار» تلاش دارد با نمایش فیلم‌های روز سینمای ایران در مناطق قاعد سینمایا در مکان‌هایی مثل مدارس، دانشگاهها، مساجد و...

عدالت‌هنری را به کمک مردم در کشور برقرار کند. /مهر